

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تد پیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

تدبیر ماه  
نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه  
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها  
اول  
(آبان و آذر ۹۵) ۱۰۳  
دی ۱۳۹۵

نام نشریه:  
تنظیم و نشر:  
نوبت چاپ:  
شماره:  
تاریخ چاپ:  
شمارگان:  
چاپ:



# فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۱۰
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تدابیر طرح و برنامه‌ای	۲۳
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۲۷
تدابیر دفاعی و رزمی	۶۷
تدابیر ویژه بسیج	۷۹
تدابیر اقتصادی و مالی	۱۰۳
تدابیر برون مرزی	۱۰۶
پی‌نوشت‌ها	۱۲۰

## معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: [www.pasdar.org](http://www.pasdar.org)



## بیت‌کلی

تداوم حرکت انقلاب اسلامی و پابندی به  
اصول و مبانی طراحی شده از سوی معمار بزرگ  
نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی ره  
و رهبری با عزت و با اقتدار مقام معظم رهبری  
حضرت امام خامنه‌ای ره، موجب بیداری  
اسلامی و تقویت جبهه مقاومت در برابر  
زیاده‌طلبی آمریکای جنایتکار و رژیم جعلی  
صهیونیستی و خیانت دولتهای مرتجع در منطقه  
شده است. به‌طوری که استکبار جهانی با ایجاد  
گروه‌های تکفیری و تروریست‌های اجاره‌ای بیش  
از پنج سال است که در سوریه و سپس در عراق

به جنایت و آدم‌کشی پرداخته‌اند و به حول و قوه الهی نتوانسته‌اند جبهه مقاومت را از پای در آورند. و پیروزی‌های جبهه مقاومت در سوریه که منجر به آزادسازی حلب گردید دست کینه‌توز عوامل استکبار جهانی را از سوریه قطع و پایه‌های حکومت حاکمان وابسته به آمریکا و صهیونیسم را به لرزه انداخت و قدرت جمهوری اسلامی ایران را به دنیا نشان داد.

ضمن تبریک میلاد حضرت امام حسن عسگری علیه السلام و با گرامیداشت حماسه عظیم نهم دی، تجلی بصیرت، همت و ولایت مداری امت حزب الله یادآور حماسه ای بزرگ و با شکوه است که برگ دیگری از کتاب زرین انقلاب اسلامی را رقم زد، و درود بر شهدای فداییان اسلام و شهیدان حماسه جاوید قیام خونین ۱۹ دی مردم قم که در تاریکی استبداد و ستم روزنه ها را

به سوی روشنائی گشودند و روند انقلاب را به گونه ای شکل دادند که طومار دو هزار و پانصد ساله نظام شاهنشاهی در مدت زمان کوتاهی در هم پیچیده شد. و با عرض تسلیت وفات کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، یکصد و سومین شماره نشریه «تدبیر ماه» برگزیده رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری علیه السلام در مهر و آبان ماه سال جاری، به شما مجاهدان راه خدا و دفاع از مرزهای ولایت و امامت تقدیم می شود.

بدین امید که رهتوشه شما پاسداران حریم انقلاب اسلامی باشد. ان شاء الله

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

\* \* \*

## حدیث

عَنْ النَّبِيِّ ﷺ:

... وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَكُونَ ظَاعِنًا إِلَّا فِي

ثَلَاثٍ ١- تَزْوُودٍ لِمَعَادٍ ٢- أَوْ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ

٣- أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. ١

مکارم الاخلاق - ص ۳۸۳

توضیح مقام معظم رهبری علیه السلام:

حضرت علیه السلام در ادامه می فرماید: سیر و

حرکت انسان عاقل بایستی بر سه محور باشد:

١- توشه گیری برای معاد، چون در این

اردوگاهی که ما هستیم بالاخره پس از چند سال،

مدت این اردوگاه تمام خواهد شد، ما را برای

آماده سازی و توشه گیری برای یک نشأه دیگر

اینجا آورده اند، هر لحظه ای از این لحظات این

---

١\_ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

... و عاقل باید جز در یکی از سه حال نباشد:

اندوختن توشه برای آخرت، یا کسب روزی، یا لذت غیر حرام.

مدت را که هدر بدهیم، در آن نشأه ضررش را خواهیم دید، «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره ۱۹۷) زاد و توشه برای آن منزل اصلی بردارید، منزلی که حیاط اصلی آنجاست، «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت ۶۴) اینجا مانند یک دوران گذری است، شبیه خواب است، «الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا» توشه هم به این است که خود را کامل کنید! اصلاح کنید! با انجام واجباتی که معین کرده‌اند، اگر این برنامه عملی را انجام بدهید به‌سوی تکامل حرکت می‌کنید، شرطش هم این است که محرمات را انجام ندهید، چون واجبات و مستحبات مثل پله‌هایی است که پله پله به‌وسیله آن بالا می‌روید و محرمات مثل لغزشگاه‌ها و لبه‌های پله است، که اگر پا گذاشتید، یک پله یا بیشتر به پایین لغزش می‌کنید، باز باید از نو شروع کنید. برای رفتن به بالا، این، راه عملی است.

۲- یکی از برنامه‌های انسان عاقل این است که به معاشش سر و سامان بدهد. معاش را نباید رها کنیم، خورد و خوراک، سلامتی، ازدواج و غیره، این چیزهایی که مربوط به عیش و زندگی

است و زندگی انسان متوقف به آنهاست، نباید رها شود. البته همین هم می‌تواند برای خصیصینی می‌تواند در جهت همان تزوّد المعاد واقع شود، افرادی که درجشان بالاتر است، آنها می‌توانند طوری عمل کنند که حتی مرمت معاش آنها هم تزوّد المعاد باشد.

۳- روح انسان، نفس انسانی را خدای متعال طوری خلق کرده است که نمی‌تواند خالی از التذاذ باشد، و الاّ به ملامت و کسالت و عدم نشاط منتهی خواهد شد، منتهی لذت در غیر محرم. اینکه انسان در لذات جسمانی را به کلی بر روی خود ببندد، این درست نیست، البته بعضی‌ها این لذت را به طرق دیگری برای خودشان تامین می‌کنند، «لذیذ مناجاتک» هستند کسانی که از ذکر خدا آنچنان لذتی می‌برند که همه لذت‌ها از چشمشان می‌افتد، برای ما که این پایین‌ها زندگی می‌کنیم آن لذت‌ها وجود ندارد، همین لذت معمولی متعارف اما حلال باید باشد، حرامش مطلقاً جایز نیست.

جلسه یک صد و پنجاه و نهم درسخ خارج فقه ۸۶/۱/۲۱ ج ۱۵۹



# تدابیر تربیتی و معنوی

• ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

• تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

## ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

### نماز دری گشوده به هدایت و رحمت

نماز، دری گشوده بر روی همهٔ آحاد امت است که از آن می‌توان به هدایت و رحمت خداوند رسید و زندگی را در سمت و سوی درست و سرشار از خیر و برکت قرار داد. سلامت معنوی هر فرد وابسته به نماز است و صراط ستقیم و حیات طیبه هر جامعه نیز تنها با اقامهٔ نماز در آن تحقق می‌یابد. این‌همه تأکید بر اقامهٔ نماز در کتاب و سنت، دلیلی جز این ندارد که این باب رحمت بر روی فرد و جامعه مسلمان گشوده بماند و فرصت بهره‌مندی از آن دست دهد.<sup>۹</sup>

## جشن تکلیف نوجوان

### قابلیت حرف زدن با پروردگار

جشن تکلیف یعنی اینکه نوجوان به مرحله‌ای رسیده که این قابلیت را پیدا کرده که خدای متعال با او حرف بزند. تکلیف یعنی مأموریتی که خدای متعال به شما می‌دهد که اگر این مأموریت را به بهترین وجهی انجام بدهید، زندگی شخصی خودتان و زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی را به خوشبختی نزدیک می‌کنید؛ این معنای تکلیف است. تکلیف یعنی مأموریت الهی. انسان تا وقتی که به مرحله تکلیف نرسیده، قابلیت این را ندارد که با خدای متعال حرف بزند یا خدا با او حرف بزند و به او مأموریت بدهد. وقتی شما به تکلیف می‌رسید، معنایش این است که این لیاقت را، این قابلیت را، این شخصیت را پیدا کرده‌اید که خدای بزرگ، آفریننده جهان و انسان، شما را مخاطب قرار می‌دهد، به شما مأموریت می‌دهد، شما را مورد احترام خودش قرار می‌دهد. جشن

تکلیف درحقیقت جشن تشرّف یک انسان، یک نوجوان به ساحت لطف و توجّه پروردگار است.

لحظه تکلیف شما و دوران بلوغ معنوی شما دوران بسیار مهمّی است. عزیزان من، فرزندان من! من توصیه می‌کنم از همین حالا، از همین روزها و ماه‌هایی که تشرّف به تکلیف پیدا کرده‌اید، رابطه خودتان را با خدای متعال مستحکم کنید. عیب بزرگ دنیای مادی غرب، قطع رابطه انسان با خداست؛ برای این است که دچار انحطاط معنوی و لغزش‌های اخلاقی فراوان می‌شوند؛ برای این است که دچار نومیدی می‌شوند و جوان‌هایشان دچار سرگردانی و سرگشتگی می‌روند؛ برای این است که روزه‌روز تمدّن غرب دارد افول می‌کند؛ چون رابطه با خدا را قطع کرده‌اند. راز پیشرفت یک انسان به صورت شخصی و فردی، و یک جامعه به صورت جمعی، این است که بتواند رابطه خود با خدا را حفظ کند. ارتباطتان را با خدا حفظ کنید.<sup>۱۱</sup>

## بهترین راه ارتباط با خدا نماز

بهترین راه ارتباط با خدا، در درجهٔ اوّل همین نمازی است که می‌خوانید. از همین حالا، از همین دوران آغاز تکلیف سعی کنید نماز را با توجّه بخوانید. توجّه یعنی چه؟ یعنی اینکه در حال نماز، احساس کنید دارید با مخاطب عظیم خودتان حرف می‌زنید؛ با خدا دارید حرف می‌زنید؛ این احساس را در خودتان به وجود بیاورید. وقتی انسان با خدای متعال حرف می‌زند، هم به او اعتماد و توکل می‌کند، هم از او طلب و درخواست می‌کند؛ این اعتماد و توکل به خدا، به انسان شجاعت می‌بخشد. شما در زندگی باید با شجاعت حرکت کنید؛ با اعتماد به نفس حرکت کنید؛ این حالت شجاعت و اعتماد به نفس، در ارتباط با خدا به دست می‌آید. سعی کنید نماز را اوّل وقت بخوانید، با توجّه بخوانید.<sup>۱۱</sup>

## اطمینان فردا

### با خودسازی جوانان امروز

عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آنها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجّه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، بلکه به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید.

با دانش، خودتان را مجهّز کنید؛ من توصیه می‌کنم به همه شما جوانان عزیز که درس خواندن را جدی بگیرید. توصیه دیگر من این است، ورزش و سلامت جسمانی را هم جدی بگیرید؛ امروز جوان‌های ما بایستی، هم سلامت جسمی، و هم سلامت معنوی، و هم سلامت فکری را با هم

داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسّل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتابخوانی تأمین کنید؛ از کتاب‌های خوب، راه‌گشا، راهنما - که از سوی متفکران و نویسندگان خوب ما تهیه شده و در اختیار ما گذاشته شده - استفاده کنید و بخوانید. این موجب می‌شود که نسل نوجوان ما، هم سلامت جسمی داشته باشد، هم سلامت معنوی و روحی داشته باشد، هم سلامت فکری و عقلانی داشته باشد؛ آن‌وقت این، آینده کشور را تأمین می‌کند.<sup>۱۱</sup>

## تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

وجود مقدّس پیغمبر اعظم،

نعمتی برای بشر

اهمّیت وجودی وجود مقدّس پیغمبر اعظم بقدری است که خدای متعال به خاطر دادن این نعمت به بشر، بر او مَنّت می گذارد؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ.» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴) «به یقین، خدا بر مؤمنان مَنّت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت» امام سجّاد علیه السلام در صحیفه سجّادیه این جور عرض می کند به خدای متعال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ.» (صحیفه سجّادیه، دعای دوّم) مَنّت الهی برای این عطیه بزرگ به بشریت، تصریح قرآن و کلام ائمّه معصومین است؛ این خیلی عظمت است. «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» تعبیری است که خدای متعال برای پیغمبر بیان فرموده است، نه «لِفِرْقَةٍ مِنَ الْبَشَرِ» یا «لِجَمْعٍ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ نه، «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ»؛ برای همه رحمت است. آن پیامی که او از سوی خداوند متعال آورده است، هدیه می کند به بشریت؛ این بصیرت را، این



راه را در اختیار همهٔ آحاد بشر قرار می‌دهد البته هستند کسانی که صاحبان قدرت‌اند، صاحبان زر و زورند، مایل نیستند که این سفرهٔ گستردهٔ رحمت الهی مورد استفادهٔ آحاد مردم قرار بگیرد.<sup>۱۵</sup>

### شور و شوق راهپیمایی اربعین

این راهپیمایی را می‌بینید؟! این حرکت عظیم میلیونی بین نجف و کربلا را، بین نجف و امام حسین را مشاهده می‌کنید؟! این شور و شوق را می‌بینید؟! این حرکت را می‌بینید؟! این حرکت آن‌وقتی که لازم باشد با خطر همراه بشود، باز هم این شور و شوق در ملت ما، در مردم ما، در جوان‌های ما وجود دارد؛ این را باید نگه داشت، این آن چیزی است که ضامن بقای این کشور است.<sup>۵</sup>

## اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

### انس با قرآن

عزیزان من! با قرآن انس داشته باشید؛ با قرآن انس پیدا کنید. هر روز یک مقداری - ولو چند آیه - قرآن بخوانید و توجه به معانی قرآن پیدا کنید. قرآن انسان را هدایت می‌کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»؛ (اسراء، آیه ۹) انسان را به راه راست هدایت می‌کند.<sup>۱۱</sup>

# تدابیر طرح و برنامه‌ای

• تصمیمات راهبردی

## تصمیمات راهبردی

تمدید تحریم‌ها

نقض برجام

اینها کارهای متعددی کردند، تخلف‌های  
متعددی کردند، یکی دو تا نیست، تازه‌ترینش این  
تمدید تحریم ده ساله است، اگر این تحریم تمدید

بشود، قطعاً نقض برجام است - بدون تردید - و بدانند جمهوری اسلامی حتماً در مقابل آن واکنش نشان خواهد داد.

حرف من در این زمینه به مسئولین و به مردم این است که این توافق هسته‌ای که اسمش را گذاشته‌اند برجام، نباید تبدیل بشود به یک وسیله‌ای برای فشار هرچند وقت یک باری از سوی دشمن به ملت ایران و به کشور ما؛ یعنی نباید اجازه بدهیم که این را وسیله فشار کنند. مسئولین به ما گفتند که ما این کار را انجام می‌دهیم، این اقدام را می‌کنیم برای اینکه فشارهای تحریم برداشته بشود؛ حالا علاوه بر اینکه آن کاری را که آنوقت قول دادند بکنند و بنا بود همان روز اوّل انجام بگیرد و تا هشت و نه ماه هنوز به‌طور کامل انجام نگرفته و ناقص است که مسئولین ما این را صریحاً بیان می‌کنند؛ آنهایی که خودشان دست‌اندرکار بودند این را صریحاً بیان کردند و بیان می‌کنند - انجام ندادند،

این را باز وسیله‌ای قرار بدهند برای فشارهای  
مجدّد به جمهوری اسلامی؛ نه، جمهوری اسلامی  
با اتّکاء به قدرت الهی و با باور کردن قدرت  
حضور مردم، از هیچ قدرتی در دنیا هراس  
ندارد.<sup>۷</sup>

# تدابیر سیاسی و اجتماعی

• دشمن شناسی و شناخت شیوه های دشمن

• افزایش بصیرت ، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

• حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

## دشمن شناسی و شناخت شیوه های دشمن

### شکست پذیری آمریکا

برخی خیال می کنند که آمریکا شکست ناپذیر است در حالی که این تصور، خطایی بزرگ است و اشتباه های مکرر آمریکایی ها در ۱۵ سال گذشته، اکنون آنها را در منطقه به شدت زمین گیر و درمانده کرده است.<sup>۱</sup>



## نفت ابزار و سلاح سیاسی

ایستادگی و مقاومت عاقلانه و همراه با تدبیر در مقابل فشارها، یقیناً پیروزی را به دنبال خواهد داشت. در گذشته زمانی که برخی کشورهای اسلامی با بستن نفت خود به مقابله با رژیم صهیونیستی برآمدند، غربی‌ها به بهانه استفاده سیاسی از نفت جنجال به پا کردند، اما متأسفانه امروز همان کشورها با همراهی برخی اعضای اوپک و بعضی از کشورهای منطقه ما که خود نیز از این سیاست‌ها زیان می‌بینند، در هماهنگی کامل با سیاست‌های آمریکا از نفت به عنوان سلاح استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

## واقعی نبودن ائتلاف غرب

### علیه تروریسم

اگرچه ممکن است این ائتلاف‌ها در مواردی با تروریست‌ها وارد جنگ نیز بشوند اما نه در عراق و نه در سوریه به دنبال ریشه‌کن کردن واقعی تروریسم نیستند و سیاست‌های بد و شرارت‌آمیز آنها، روزه‌روز مشکلات بشریت را افزایش می‌دهد.

تحقیر جوانان مسلمان در برخی کشورهای ثروتمند و قدرتمند اروپایی، زمینه‌ای برای پیوستن آنان به گروه‌های منحرف تروریستی همچون داعش ایجاد می‌کند و این جوانان تحقیرشده در بازگشت به اروپا، دست به انفجار و کشتار می‌زنند.<sup>۲</sup>

## تروریسم کشتارهای دسته‌جمعی

### توسط دولت‌ها

مقابله با تروریسم نیازمند اراده‌ جدی همهٔ کسانی است که در قدرت‌های بین‌المللی نفوذ دارند و عقلای جهان، و دولت‌ها و قدرتمندان باسرف دنیا باید برای علاج این پدیده، فکر و اقدام کنند.

این دولت‌ها [آمریکا و برخی دولت‌های دیگر] همهٔ مسائل را بر اساس منافع خود محاسبه می‌کنند و به فکر ریشه‌کن کردن بیماری تروریسم چه در عراق و چه در سوریه نیستند. ... تروریسم فقط به معنای اقدامات تروریستی گروه‌های غیررسمی نیست، بلکه کشتارهای دسته‌جمعی مردم به‌دست برخی دولت‌ها مانند حملهٔ سعودی به مردم در مجلس عزاداری در یمن با صدها کشته و زخمی نیز بدترین نوع تروریسم است که به‌رغم گذشت یک سال و هفت ماه از این‌گونه اقدامات، هیچ ارادهٔ جدی برای مقابله با آن دیده نمی‌شود.<sup>۳</sup>

## آمریکا در بحران

آمریکا دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، بحران بین‌المللی، بحران سیاسی، بحران اخلاقی؛ خودش دچار بحران است. امروز قرض‌های دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کلّ آمریکا است؛ این نشانه بحران است، این را اقتصاددان‌ها می‌گویند. می‌گویند هر وقتی که دیون یک دولت نزدیک شد به تولید ناخالص یک دولت، این دولت در حال بحران است؛ این اقتصاد بحرانی است؛ امروز آمریکا این‌جوری است. آن مقداری که بدهکار است، نزدیک به حدود شصت و چند درصد تولید ناخالص ملّی‌اش است؛ این می‌خواهد به چه کسی کمک بکند؟ این می‌خواهد بمکد، این می‌خواهد بگند تا خودش را ترمیم بکند؛ این می‌آید به اقتصاد کشوری کمک کند؟ این از لحاظ اقتصادی. از لحاظ سیاسی هم دچار بحرانند. امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا - این را من با قاطعیت عرض می‌کنم - که یک ملّتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه

دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یکروز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه غرب آسیا، در منطقه شرق آسیا، حتی در خود اروپا، در منطقه آمریکای لاتین، در منطقه آفریقا، ملت‌هایی که قیام می‌کنند، اولین شعارشان علیه آمریکاست؛ این وضع سیاسی آمریکاست. بحران از این بالاتر؟!<sup>۴</sup>

## نقشه آمریکا

## برای منطقه غرب آسیا

آمریکا دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، بحران بین‌المللی، بحران سیاسی، بحران اخلاقی؛ خودش دچار بحران است. امروز قرض‌های دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کلّ آمریکا است؛ این نشانه بحران است، این را اقتصاددان‌ها می‌گویند. می‌گویند هروقتی که دیون یک دولت نزدیک شد به تولید ناخالص یک دولت، این دولت در حال بحران است؛ این اقتصاد بحرانی است؛ امروز آمریکا این‌جوری است. آن مقداری که بدهکار است، نزدیک به حدود شصت و چند درصد تولید ناخالص ملّی‌اش است؛ این می‌خواهد به چه کسی کمک بکند؟ این می‌خواهد بمکد، این می‌خواهد بکند تا خودش را ترمیم بکند؛ این می‌آید به اقتصاد کشوری کمک کند؟ این از لحاظ اقتصادی. از لحاظ سیاسی هم دچار بحرانند. امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا - این را من با قاطعیت عرض می‌کنم - که

یک ملّتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یکروز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه غرب آسیا، در منطقه شرق آسیا، حتی در خود اروپا، در منطقه آمریکای لاتین، در منطقه آفریقا، ملّتهایی که قیام می کنند، اوّلین شعارشان علیه آمریکاست؛ این وضع سیاسی آمریکاست. بحران از این بالاتر؟! آمریکا برای منطقه غرب آسیا نقشه داشت. ببینید، شماها یادتان نیست، البتّه مال خیلی وقت نیست، مال ده دوازده سال قبل است، ولی خب شما جوانها آن روز را هم یادتان نیست. وزیرخارجہ آمریکا آن روز آمد گفت که «ما می‌خواهیم یک خاورمیانه بزرگ درست کنیم»؛ در قضیه لبنان و جنگ ۳۳ روزه، اسم خاورمیانه بزرگ را آورد. خاورمیانه بزرگ یعنی چه؟! آنها اسم منطقه غرب آسیا را می‌گویند خاورمیانه؛ خاورمیانه بزرگ یعنی یک منطقه‌ای از حدود پاکستان تا مدیترانه، یعنی تمام این کشورهای این منطقه، خاورمیانه است و

آمریکا برای همه این منطقه یک نقشه کلی کشیده بود که همه اینها را با محوریت اسرائیل توی مشت نگه دارد؛ خاورمیانه بزرگ یعنی این. امروز وضع این خاورمیانه بزرگ آن وزیر خارجه - که بیچاره یک خانمی هم بود که این حرف را زد - (خنده حضار) به جایی رسیده که اینها در قضیه سوریه مانده‌اند، در قضیه عراق مانده‌اند، در قضیه لبنان مانده‌اند، در قضیه شمال آفریقا مانده‌اند، در قضیه لیبی پا در گل مانده‌اند، در قضیه یمن خودشان را وارد قضیه کرده‌اند اما مانده‌اند؛ این وضع سیاسی بین‌المللی آمریکاست. بحران از این بالاتر؟ این می‌خواهد بیاید به کمک شما؟ این می‌خواهد بیاید مشکلات کشور را حل کند؟ ما در نقطه مقابلیم؛ خدا را شکر؛ این کار خداست؛ این لطف خدا به این ملت است که به آنها شجاعت داد، به آنها بصیرت داد، به آنها استقامت داد، مشکلات را تحمل کردند، مردان و زنان مؤمن این ملت توانستند جوری مشی کنند و جوری عمل کنند که امروز ملت ایران در خاورمیانه سربلند است.<sup>۴</sup>



## آمریکا، آمریکاست

البته حالا بنده هیچ قضاوتی در مورد این انتخاباتی که در آمریکا انجام گرفته است ندارم. آمریکا، آمریکاست؛ این حزب یا آن حزب، هر کدامشان سرِ کار آمدند، خیری به ما نرساندند، شر رساندند. یکی تحریم کرد، یکی هواپیما زد، یکی به سگوی نفتی حمله کرد، یکی به دشمن‌های ما کمک کرد. ما نگرانی هم نداریم؛ ما به توفیق الهی برای مواجهه با هر حادثه محتمل آماده‌ایم. در دنیا عده‌ای عزا گرفته‌اند که چرا انتخابات در آن کشور این‌جوری شد؛ یک عده‌ای هم در دنیا خوشحال شدند و شادی کردند. ما نه، ما نه عزا می‌گیریم، نه شادی می‌کنیم؛ برای ما فرقی ندارد. ما فکر می‌کنیم که چگونه باید کشور را از مشکلات احتمالی عبور داد؛ ملت باید به این فکر کند.<sup>۵</sup>

## شروع یک تحریم

### با دوباره شروع کردن

«شروع کردن یک تحریم» با «دوباره شروع کردن آن پس از پایان زمانش» فرقی نمی‌کند و این دومی نیز تحریم و نقض تعهدات قبلی از سوی طرف مقابل است. ... وقتی عجله داریم که کار را زودتر تمام کنیم و به جایی برسانیم، از جزئیات غفلت می‌کنیم و گاهی غفلت از یک امر جزئی، موجب ایجاد رخنه و نقطه سلبی در آن کار می‌شود، بنابراین باید مراقب بود که کارها متین، محکم و با شتاب مناسب انجام شود.<sup>۸</sup>

## افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

### تصحیح دو خطای بزرگ

#### در مورد آمریکا

من دو خطا را امروز می‌خواهم تصحیح کنم. دو اشتباه دارد تزریق می‌شود به افکار عمومی مردم ما. عامل این تزریق هم در درجه اول خود دستگاه استکبار و آمریکا هستند، و درجه دوم بعضی آدم‌ها در داخل؛ آدم‌هایی که - من همه را متهم نمی‌کنم - بعضی‌شان وابسته به تشکیلات سرویس‌های جاسوسی یا سیاسی یا مراکز خاص آمریکایی هستند، بعضی‌شان هم نه، وابستگی ندارند؛

از نفس افتاده‌ها، پشیمان‌شده‌ها، بوی لذت دنیا به مشامشان رسیده‌ها. آنها این فکر را، این دو خطا را دارند حواله می‌دهند به اینها، اینها هم در منبرهای مختلف، در جایگاه‌های مختلف، این را توسعه می‌دهند و گسترش می‌دهند؛ داخل دانشگاه، بیرون دانشگاه، در مطبوعات و جاهای مختلف. من این دو خطا را امروز می‌خواهم

تصحیح کنم. یکی اینکه این جور تبلیغ می کنند که اینکه امام فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱) - که امروز هم همین حکم جاری است - از سر تعصّب و غرور است یعنی منطقی پشت سرش نیست؛ این را می خواهند ترویج کنند. می خواهند بگویند جوان های ما، انقلابیون ما، مردم ما، مسئولین ما، که سینه سپر می کنند و در مقابل آمریکا می ایستند و نسبت به توطئه های او افشاگری می کنند، مردمان متعصبی اند؛ کارشان از روی حمیت (غیرت) جاهلی و از روی تعصّب است؛ این را می خواهند بیان بکنند. درحالی که درست ۱۸۰ درجه قضیه عکس است. اینکه فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد. آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون طلبی و دست اندازی است. تاریخ آمریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می گذرد، این را نشان می دهد - البته اوایل خیلی کمتر، از حدود صد سال پیش یا اندکی کمتر از صد سال پیش، خیلی

بیشتر - سیاست کلی آمریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به‌وسیله دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این‌جور عمل می‌کنند؛ این سیاست آنهاست. این سیاست را در منطقه غرب آسیا اعمال کردند، در ایران در دوران طاغوت اعمال کردند، در کشورهای همسایه ما اعمال کردند. بر سر این قضیه با شوروی سابق زورآزمایی داشتند - او به‌طرف خود می‌کشید، این به‌طرف خود می‌کشید - و ایران منطقه نفوذ آمریکا بود. اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب موجب می‌شد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره برگردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت. اینکه گفتند در مقابل آمریکا بایستید، هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، به‌معنای دفاع از ارزش‌هاست؛ نه فقط ارزش‌های مخصوص مسلمان‌ها، دفاع از ارزش‌های انسانی. امروز به اعتراف خود آمریکایی‌ها، دولت آمریکا و نظام آمریکا از ارزش‌های انسانی فرسنگ‌ها دور افتاده. این مناظره

دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا (دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون) را دیدید؟ حقایقی که اینها بر زبان راندند دیدید؟ شنیدید؟ اینها آمریکا را افشا کردند. چند برابر چیزهایی را که ما می گفتیم و بعضی باور نمی کردند و نمی خواستند باور کنند، خود اینها گفتند. و جالب این است که آن که صریح تر گفت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت. آن مرد چون واضح تر گفت، صریح تر گفت، مردم آمریکا بیشتر به او توجه کردند. طرف مقابل گفت: این پوپولیستی کار می کند؛ عوام گرایانه، چرا عوام گرایانه؟ برای خاطر اینکه حرف هایش را مردم نگاه می کردند، می دیدند درست است؛ در واقعیات زندگی خودشان آن را می دیدند. ارزش های انسانی در آن کشور نابود شده و لگدمال شده است؛ تبعیض نژادی وجود دارد. همین چند روز قبل از این آن مرد در تبلیغات انتخاباتی اش ایستاد و گفت شما اگر رنگین پوست هستید، اگر سیاه پوست و سرخ پوست هستید، در خیابان های نیویورک و شیکاگو و واشنگتن و کالیفرنیا و غیر ذلک وقتی راه

می‌روید، نمی‌توانید مطمئن باشید که تا چند دقیقه دیگر زنده‌اید. شما ببینید! این حرف را کسی دارد می‌زند که انتظار دارد چند روز دیگر برود در کاخ سفید، بنشیند آمریکا را اداره کند. نژادپرستی آمریکا یعنی این. فقر آمریکایی‌ها را هم گفت. گفت ۴۴ میلیون نفر در آمریکا گرسنه‌اند. او گفت و دیگران هم گفتند که کمتر از یک درصد مردم آمریکا مالک نود درصد ثروت آمریکا هستند. ارزش‌های انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر آمریکا» که شما فریاد می‌زنید، اینکه گفتند: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها. امام به‌خاطر همین چیزها گفت: که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید. اینها همه یک طرف، یک طرف دیگر قضیه و یک عامل مهمّ دیگر قضیه هم این است که اینها همان روزهای اوّل، زمینه یک ضربه بزرگ به ملت ایران را فراهم کردند، یعنی محمّدرضا را پناه دادند در آمریکا، برای اینکه او را نگه دارند، زمینه را فراهم

کنند، عواملش را در اینجا تقویت کنند، خود او هم باشد، بعد همان کاری را که در ۲۸ مرداد سال ۳۲ انجام دادند - یعنی ۲۵ سال قبل از آن تاریخ - دومرتبه انجام بدهند. در ۲۸ مرداد هم محمدرضا از ایران فرار کرد؛ انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها دست به دست هم دادند، مخفیانه آمدند داخل، از سفارت‌های گوناگون استفاده کردند، پناه گرفتند، عوامل خودشان را تجهیز کردند، آماده کردند، از غفلت آن روز مردم استفاده کردند، دومرتبه محمدرضا را برگرداندند و همان برگرداندن بود که ۲۵ سال تسمه از گرده این ملت کشید و پدر این مردم را درآورد. اینها می‌خواستند این کار را دوباره انجام بدهند، اما امام جلوی این را گرفت، سد کرد، ملت ایران را بیدار کرد و ملت ایران بیدار شدند. بنابراین این شعار ضد آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لج بازی نیست؛ از روی منطق است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه منطقی و فکری است. پس هم جوان‌های عزیز ما،



هم کسانی که می‌نویسند و می‌گویند و دارای منبر هستند برای گفتن - منبر مطبوعات، منبر دانشگاه، منبر کلاس درس، منبرهای گوناگون - بدانند و توجه کنند که اگر امروز ملت ایران شعار ضدّ آمریکا می‌دهد و قبلاً هم در این سی و چند سال شعار می‌داده است، به خاطر یک منطق محکم است. در طول این سال‌ها هم ما هشت سال با صدام جنگ داشتیم، آمریکایی‌ها پشت سر صدام محکم ایستادند؛ هرچه توانستند به او کمک کردند. آمریکایی‌ها بعد از جنگ یک جور، قبل از شروع جنگ یک جور، در دوران جنگ یک جور، تا امروز یک جور، در قضیه برجام یک جور، بعد از برجام یک جور دشمنی کردند. چند روز قبل از این، همین آقای مذاکره‌کننده آمریکایی (جان کری وزیر امور خارجه آمریکا) صریحاً ایستاد و گفت - و در تلویزیون ما هم پخش شد - که ما بعد از برجام هم ایران را تحریم کردیم. آمریکا این است. ایستادگی ملت ایران در مقابل آمریکا ایستادگی متکی به منطق است. پس خطای اوّل این بود که

می‌خواهند و انمود کنند مردم از روی لجاجت در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. واقع قضیه عکس این است؛ مردم از روی منطق در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. این تصحیح خطای اوّل. خطای دوّم؛ فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به‌نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزریق می‌شود و کسانی هم در داخل آن را ترویج می‌کنند و از اوّلی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد. این از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک است. می‌گویند اگر ما با آمریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل می‌شود. خب، حالا ده تا دلیل می‌شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با آمریکا مشکلات کشور را به‌هیچ‌وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد.<sup>۴</sup>

## تاکید بر بدعهدی آمریکا

من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغگویند، اینها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه می‌کنید! امروز آن کسی که دارد می‌گوید آنها بدعهدند دیگر من فقط نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این‌همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن‌همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آنها دارند می‌گویند. در همین جلسه وزرای خارجه‌ای که در نیویورک، در حدود یک ماه قبل تشکیل شد، (اولین نشست وزرای خارجه ایران و ۱۰۵، پس از اجرای برجام) وزیر محترم خارجه ما هم شرکت کرد، آنها هم شرکت کرده بودند؛ در آن جلسه وزیر خارجه ما یک کیفرخواست بزرگی علیه آنها ذکر می‌کند؛ می‌گوید شماها این کار را کردید که نباید می‌کردید، این کار را نکردید که باید می‌کردید؛ یک کیفرخواست، یک ادعای نامه؛

جوابی هم نداشتند؛ خب اینها این طور هستند؛ سازش کنید سر سوریه، سازش کنید سر حزب الله، سازش کنید سر افغانستان و پاکستان، سازش کنید سر عراق، سازش کنید سر مسائل داخلی؛ با چه کسی؟ با آن کسی که لحظه‌ای از دشمنی فروگذار نمی‌کند. هدف‌شان این است که نگذارند این ملت رشد کند، هدف‌شان این است که نگذارند مشکلات اقتصادی این کشور حل بشود؛ آن وقت اینها می‌آیند کمک به حل مشکلات کنند؟ اولاً طرف دروغگو است، فریبگر است، بدعهد است، خنجر از پشت بزن است، در همان حالی که دارد با یک دست دست می‌دهد، به قول خودشان یک مشت سنگ در دست دیگرش است که بزند به سر طرف مقابل. طرف، این جور آدمی است. ثانیاً آمریکا می‌خواهد مشکلات ملت ایران را حل کند؟! خود آمریکا دچار بحران است؛ این را چرا نمی‌گویند؟! این را همه دستگاه‌های مهم قضاوت‌کننده در این گونه مسائل در دنیا، حتی خود آمریکایی‌ها دارند می‌گویند.<sup>۴</sup>

## چهره درخشان ایران در منطقه

در عراق، در سوریه، در لبنان، در یمن، در منطقه خلیج فارس، در هر جا که شما نگاه می‌کنید، ایران یک چهره درخشان است. آنها [آمریکایی‌ها] از لحاظ اقتصادی در بحراند، از لحاظ سیاسی در بحراند، از لحاظ بین‌المللی در بحراند، از لحاظ اخلاقی در بحراند. از لحاظ اخلاقی - چه در زمینه مسائل مربوط به اخلاق جنسی، چه مسائل مربوط به مفاسد مالی - براساس حرف‌هایی که خودشان می‌گویند، در مطبوعات خودشان منتشر می‌شود، حرف‌هایی که خودشان می‌زنند - البته این خیلی کمتر از واقعیت است - و آنچه حالا این دو نامزد محترم ریاست‌جمهوری‌شان (خنده معظمّه) که یکی از اینها بالاخره چندروز دیگر خواهد رفت در کاخ سفید و رئیس‌جمهور آنجا خواهد شد، لابد حرف بی‌حساب نمی‌زند؛ دوتایی باهم بدند، اما دست‌به‌دست هم داده‌اند برای افشاگری آمریکا و برای نابود کردن آبروی آمریکا و موفق هم شده‌اند (خنده حضار) این کشور چطور می‌خواهد بیاید به ایران کمک کند؟!<sup>۴</sup>

## بصیرت سیاسی

### عامل شناخت پیزامون

از جمله چیزهایی که امروز لازم است، بصیرت سیاسی است؛ بصیرت سیاسی! ببینید؛ وقتی بصیرت باشد، انسان می‌تواند محیط پیرامون خود و محیط‌های دور و نزدیک را بشناسد؛ بصیرت یعنی این. وقتی بصیرت نباشد، انسان مجذوب یک چیزی می‌شود که واقعاً جاذبه‌ای ندارد؛ یک عده‌ای مجذوب آمریکا هستند، اما این مجذوبیت، مجذوبیت دروغین است؛ هیچ جاذبه‌ای ندارد. حالا اینها را ما می‌گفتیم؛ بعد دیدید که در این انتخابات، برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی همان کشور آمدند همان چیزهایی را که ما (دونالد ترامپ) می‌گفتیم، بیشتر یا دو برابر و یا چند برابرش را گفتند. این رئیس جمهوری که در آمریکا انتخاب شده است، (دونالد ترامپ) می‌گوید: اگر آن پولی که در این چند سال ما آمریکایی‌ها خرج جنگ کردیم، می‌خواستیم در داخل آمریکا مصرف کنیم، دو بار می‌توانستیم آمریکا را بسازیم و

این همه جاذبه خراب، این همه پل خراب، این همه سد خراب، این همه شهر خراب، این همه فقیر در آمریکا نداشتیم. آن کسانی که مجذوب آن نقطه خیالی هستند، اینها را حاضرند بفهمند؟ این خرابی‌ها در آن کشور وجود دارد و پول آن کشور صرف کارهای غیرشرافتمندانه می‌شود؛ آیا این جنگ‌هایی که او می‌گوید ما چند تریلیون دلار خرجش کردیم - می‌گوید چند هزار میلیارد دلار خرج کردیم - اینها جنگ‌های شرافتمندانه‌ای بوده؟ جنگ هم دو جور است؛ یک جنگ، جنگ شرافتمندانه است که انسان به قوانین انسانی احترام می‌گذارد. خب یک دشمنی به انسان حمله کرده، انسان در مقابل او مجبور است بجنگد؛ این جنگ، شرافتمندانه است؛ اما آن جنگی که آمریکا در این چند سال در این منطقه به راه انداخت، جنگ شرافتمندانه نبود. خانه‌های مردم را خراب کردند، چندین ده هزار غیرنظامی را کشتند، زن‌ها را کشتند، بچه‌ها را کشتند، بمب ریختند، مجلس عزا را و مجلس عروسی را بمباران کردند،

زیرساخت‌های چند کشور را خراب کردند. شما ببینید اینها بر سر لیبی و بر سر سوریه و بر سر عراق و بر سر یمن و بر سر افغانستان چه آوردند! این چند تریلیون، خرج این چیزها شده. اینها حرف‌هایی است که ما همیشه می‌گفتیم. بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد؛ این بصیرت است. توقع ما از نخبگان سیاسی و غیرسیاسی کشور این است که این بصیرت را داشته باشند. مردم خوشبختانه این بصیرت را دارند؛ تعجب است! مردم معمولی و توده‌های مردم این بصیرت سیاسی را دارند اما بعضی از نخبگان ما با تکیه بر توهمات که دارند، این بصیرت را ندارند.<sup>۵</sup>



## دست خدا در راه پیمایی

### عظیم و باشکوه اربعین

به مناسبت ایام و به مناسبت این راه پیمایی عظیم و باشکوه که حقیقتاً یک پدیده عظیم تاریخی است، یک جمله ای عرض بکنیم. معمولاً در این جور پدیده هایی که انسان مشاهده می کند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده ای در محیط دید انسان بروز می کند، دست خدایی مشهودتر از همه جای دیگر است؛ یک نمونه اش خود انقلاب اسلامی است. حالا مبارزات قبلی به جای خود محفوظ اما حضور مردمی و گسترش مردمی در طول یک سال، یک سال و نیم در یک کشور وسیعی مثل کشور ما انجام گرفت. همان شعاری که مردم در تهران می دادند، در فلان روستا در دوردست هم که مردم راه پیمایی می کردند، همان شعار را می دادند. لذا امام آن وقت - آن طور که به ما اطلاع دادند - فرموده بودند این انقلاب پیروز خواهد شد، چون نشانه حضور دست قدرتمند الهی است. یک وقت دیگری هم به

خود من ایشان فرمودند، گفتند: من در طول این انقلاب یک دست قدرتی را همیشه پشت این حرکت عظیم مردمی دیدم؛ حرکت‌های مردمی این‌جوری است. قضیهٔ تسخیر لانهٔ جاسوسی هم این‌جوری است، قضیهٔ حوادث بعدی هم که در این کشور اتفاق افتاد این‌جوری است، قضیهٔ نهم دی در این اواخر این‌جوری است، قضیهٔ اعتکاف‌ها از همین قبیل است؛ اینها پدیده‌هایی است که هیچ تبلیغاتی هم برایش نمی‌شود، تلاشی هم انجام نمی‌گیرد. شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن - بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن هم از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثهٔ الهی است، این یک پدیدهٔ الهی است؛ این نشان‌دهندهٔ این است که این راه، راه عشق است؛

متنها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل  
عشق اولیا به خدا؛ «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يَحِبُّكَ  
وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَيْكَ» (بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۹)  
این حبّ و این عشق، عشق همراه با بصیرت  
است؛ می‌داند، می‌فهمد و این جاذبه او را  
می‌کشد، این مغناطیس او را میکشد خب، بنابراین  
کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده عظیمی است.<sup>۷</sup>

## راه نفوذ دشمن

### تسلط بر جوان

عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آنها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجّه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، بلکه به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید.<sup>۱۱</sup>

## راه امام، عزت دنیا و آخرت

آنچه من به ملت خودمان عرض می‌کنم - به ملت عزیز ایران که واقعاً در این سال‌های پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی و همچنین سال‌های مبارزاتی که منتهی به تشکیل نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی شد، امتحان خوبی داده - این است که این راه را که راه امام بزرگوار ما است و راه انقلاب ما است، رها نکنید؛ این راه را دنبال کنید. عزت دنیا و عزت در ملأ اعلیٰ به این وابسته است که این راه را برویم: راه تمسک به قرآن و عترت، راه تمسک به احکام الهی، راه ایستادن در مقابل دشمنان، راه ملاحظه نکردن در اظهار حقیقت و دفاع کردن از حقیقت؛ این آن راهی است که اگر ملت ما دنبال نکند - که بحمدالله تا امروز این را دنبال کرده‌اند، دنبال سر مسئولین کشور حرکت کرده‌اند و این راه پرافتخار را دنبال کرده‌اند - اگر این راه ادامه پیدا نکند و این مبارزه ادامه پیدا نکند، دنیا و آخرت این ملت تأمین خواهد شد و مسلمانان دیگر دنیا هم می‌توانند منتفع بشوند.<sup>۱۵</sup>

## حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

سیزدهم آبان روز ملی

مبارزه با استکبار جهانی

سیزدهم آبان اگرچه محلّ تلاقی چند حادثه است - حادثه تبعید امام بزرگوار، حادثه کشتار دانش‌آموزان در خیابان‌های تهران - لکن آن چیزی که این روز را برجسته کرده است، حادثه تصرف و تسخیر سفارت آمریکا یا به معنای درست لانه جاسوسی آمریکاست. بنابراین روز سیزدهم آبان که نام آن را در کشور روز مبارزه با استکبار نهاده‌اند، به نظر من - ضمن اینکه آن نام، نام درستی است - روز جوان است؛ روز جوان مؤمن، جوان انقلابی، جوان شجاع، جوان دلاور، جوان مبتکر، جوانی که دست به کاری می‌زند که دشمن را از ابتکار، و از حرکت باز می‌آورد. به این معنا روز جوان است. از آن روز سال‌ها گذشته لکن معنای آن روز همچنان باقی است. اینکه شنیدید امام این حرکت را انقلاب دوّم نامیدند، بی‌معنا نیست؛ از ساعات اوّل پیروزی انقلاب بلکه حتی قبل از

انقلاب دشمن در صدد توطئه برآمد. آمریکایی‌ها چند روز قبل از پیروزی انقلاب آدم فرستادند اینجا که شاید بتوانند یک کودتایی راه بیندازند و حرکت مردم را خنثی کنند که البته نتوانستند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، انواع و اقسام تلاش‌ها را کردند؛ چه تلاش‌های سیاسی رسمی که سنای آمریکا از همان روزهای اوّل علیه جمهوری اسلامی موضع گرفت، اعلام خصومت کرد، اعلام تحریم کرد - که این راه‌های رسمی بود، راه‌های علنی بود - چه از راه‌های غیر علنی، که تماس گرفتند با عوامل خودشان، با مزدوران خودشان در داخل کشور که شاید بتوانند از حضور قومیت‌های مختلف برای ایجاد اختلاف در میان ملت استفاده کنند، که تو دهنشان خورد. هم خود قومیت‌های ما - عرب ما، ترک ما، گُرد ما، لُر ما، ترکمن ما، که همه آماج این توطئه بودند - در مقابل آمریکا ایستادند و هم جوانان مؤمن، جوانانی که آن روز، هنوز اسم پاسدار

رویشان نبود، اسم بسیج رویشان نبود اما به معنای حقیقی کلمه پاسدار انقلاب بودند و بسیجی راه انقلاب بودند، رفتند توطئه آمریکا را خنثی کردند. بنابراین آمریکایی‌ها از ساعت اوّل شروع کردند و اینها همه غیر از کارهایی بود که در داخل سفارت آمریکا همین‌جا در تهران انجام می‌گرفت. بعد از آنکه جوان‌های ما رفتند و این مرکز را تسخیر کردند و با زحمت زیاد توانستند کاغذهایی را که خرد شده بود، مدارکی را که در کاغذخردکن ریخته شده بود، گردآوری کنند، جمع کنند، به هم بچسبانند و به صورت کتاب در بیاورند، آن وقت معلوم شد که چه توطئه‌هایی هم در طول این مدت در داخل سفارت آمریکا وجود داشته. این کتاب‌ها حدود هفتاد جلد است؛ شماها خوانده‌اید اینها را؟ چرا هیچ نشانی از مضامین برگزیده این کتاب‌ها در مجموعه مدارس ما، دبیرستان‌های ما، دانشگاه‌های ما نیست؟ چرا؟ این یکی از اعتراض‌های من است.



وزیر جدید محترم آموزش و پرورش (فخرالدین احمدی دانش‌آشتیانی) اینجا در جلسه هستند؛ چرا اینها را داخل کتاب‌های درسی قرار نمی‌دهید؟! چرا نمی‌گذارید نسل جوان ما، نسل جدید ما بفهمد و بداند که آمریکا با اینجا چه کرده است و چه توطئه‌هایی زیر سر داشته؟!

حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خباثت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرک ابرقدرت پُرووی زیاده‌خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این. آن ابرقدرتی که عادت کرده بود ۲۵ سال، ۳۰ سال هرچه اراده می‌کند در ایران اتفاق بیفتد و انجام بدهد، انجام می‌دهد و ایران مال اوست، متعلق به اوست، دولتش، حکومتش، پادشاهش، نفتش، ذخایرش، معادنش، آینده‌اش، همه چیزش مال اوست و حالا از دستش گرفته شده بود و درصدد تهاجم بود، دید جوان‌ها جلوی این تهاجم را گرفتند و گرفتند و گرفتند و ملت ایران ایستاد و رهبر این حرکت عظیم هم شخص امام بزرگوار بود. بنده در جزئیات وقایع آن روز قرار داشتم؛ همان روزها مکرر به لانه جاسوسی رفته‌ام، آمده‌ام، نشسته‌ایم، صحبت

کرده‌ایم، با جوان‌هایی که آنجا بودند، با دیگران، در شورای انقلاب - که آن وقت ما عضو شورای انقلاب بودیم - می‌دانم که چه تحرّکاتی از گوشه‌وکنار انجام می‌گرفت برای خنثی کردن این حرکت؛ اما امام ایستاد. عزیزان من! قضیه آمریکا این است.<sup>۴</sup>

## ایستادگی بر اصول انقلاب

من آنچه نیاز امروز می‌دانم، ایستادگی بر اصول انقلاب در درجهٔ اوّل است. اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در وصیت‌نامهٔ امام و در بیانات امام وجود دارد؛ اینها پایه‌های انقلاب و ستون‌های انقلاب است. به جوان‌ها توصیه می‌کنم وصیت‌نامهٔ امام را بخوانید؛ شما امام را ندیده‌اید اما امام مجسم در همین وصیت‌نامه است؛ مجسم در همین بیانات و گفتارها است. محتوای آن امامی که توانست دنیا را تکان بدهد، همین چیزهایی است که در این وصیت‌نامه و مانند اینها هست؛ نمی‌شود امام را تأویل کرد، نمی‌شود امام را برخلاف آنچه بود معنا کرد، حرف‌های او موجود است. پافشاری بر اصول انقلاب لازم است.<sup>۵</sup>

## جهت گیری کشور

### با حفظ روحیه انقلابی

راه عبور از همه مشکلاتی که برای کشور محتمل است، چه در این دوره، چه در ده سال دیگر، چه در پنجاه سال دیگر، این است که کشور از درون مستحکم باشد. ببینید چه جوری استحکام حاصل می شود. استحکام داخلی نظام، اساس کار است؛ هم استحکام سیاسی، هم استحکام اقتصادی، هم استحکام فرهنگی، و هم بالاتر از همه استحکام روحی و روانی افراد، بخصوص نخبگان و بخصوص مسئولان ارشد کشور. این استحکام اگر وجود داشته باشد، هیچ خطری کشور را تهدید نمی کند. کشور در مقابل همه خطرهای آماده است. جوان های عزیز ما بایستی این رویش مبارک روحیه انقلابی را ادامه بدهند. بحث ها و جنجال ها و حاشیه سازی ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند اینها مسئله کشور نیست؛ مسئله کشور، روحیه انقلابی است؛ مسئله کشور، جهت گیری انقلابی است؛ و از لحاظ عملی و

برنامه‌ریزی، مسئله کشور، اقتصاد است که بارها عرض کرده‌ایم، پیشرفت علمی است که بارها عرض کرده‌ایم و اتحاد و انسجام ملت است که این را هم بارها عرض کرده‌ایم. اینها مسائل اصلی کشور است.<sup>۵</sup>

### علاج کشور ادامه راه انقلاب

اگر می‌خواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر می‌خواهیم این کشور عزت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفت‌های مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم؛ انقلاب، راه علاج منحصر این کشور بود و هست و در آینده هم خواهد بود.<sup>۵</sup>

## شکرگزاری انقلاب

اگر ملت ایران شکر انقلاب را نکرده بود، انقلاب می‌رفت؛ کما اینکه در بعضی جاهای دیگر دنیا انقلاب شد، بلد نبودند شکر کنند، انقلاب از دستشان رفت؛ نه فقط انقلاب را از دست دادند، بلکه بیست سال، سی سال هم عقب افتادند. ملت ایران شکرگزاری کردند. شکرگزاری فقط به این نیست که آدم بگوید «الهی شکر» یا سجده شکر بکند، شکرگزاری به این است که انسان به لوازم این نعمت عمل کند؛ ملت ایران عمل کرد. در هر میدانی که لازم بود حاضر شدند، آنجایی که فداکاری لازم بود فداکاری کردند، جان و مال و عزیزان و فرزند و آبرو و حیثیت، همه را به میدان آوردند. نمی‌خواهم بگویم تک‌تک مردم ایران این کار را کردند لکن یک جمع عظیمی، یک اکثریت قابل توجهی این‌جوری عمل کردند، خدای متعال هم پاسخ داد؛ انقلاب را برایشان حفظ کرده. امروز انقلاب از روز اولی که پیروز شد، قوی‌تر، پُر قدرت‌تر و برای آینده قادر بر برنامه‌ریزی بیشتر است.<sup>۷</sup>

# تدابیر دفاعی و رزمی

- افزایش آمادگی همه جانبه
- روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

## افزایش آمادگی همه جانبه

### حفظ روحیه انقلابی‌گری

علاج مشکلات این کشور - چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملّتی دارد؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست - و حلّ این مشکلات، در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملّت است؛ از درون ملّت



بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشم‌ها، باز؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه علمی، هم در زمینه مدیریتی، هم در زمینه اداری. آنچه من بر روی آن تکیه می‌کنم روحیه انقلابی‌گری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این فرد انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد. بعضی‌ها عکس این عمل می‌کنند، بعضی‌ها عکس این حرف می‌زنند، بعضی‌ها عکس این مدیریت می‌کنند؛ جوان را به آینده بی‌اعتماد می‌کنند، به انقلاب بی‌اعتماد می‌کنند، جوان را از نفس گرم امام دور می‌کنند؛

خب این خراب می شود دیگر؛ آن وقت از زمانه هم می نالند! از زمانه هم می نالند. زمانه را چه کسی می سازد؟ به قول صائب: جُرم زمانه ساز فزون از زمانه است؛ (صائب. دیوان غزلیات)؛ «تسلیم می کند به ستم ظلم را دلیر / جُرم زمانه ساز فزون از زمانه است» زمانه را چه کسی می سازد؟ زمانه را من و شما می سازیم؛ ما زمانه سازیم. اگر زمانه بد باشد، به من و شما باید نگاه کرد؛ ما هستیم که زمانه را می سازیم. ما وقتی که گام‌هایمان را محکم برنداشتیم، ما وقتی که توصیه امام را ندیده گرفتیم - آن چشم تیزبین، آن دل حکیم، دل سرشار از حکمت؛ خوب می دید، خوب می فهمید، درست تشخیص می داد؛ راه را برای ما روشن کرده؛ وصیت‌نامه امام دم دست ما است؛ خب، آن کسانی که تردید دارند این وصیت‌نامه را نگاه کنند؛ ببینند چه گفته امام - وقتی مردم را از اینها دور می کنیم، جوان‌ها را از اینها دور می کنیم، جوان را به لاابالی‌گری سوق می دهیم، جوانی را که تمایل به عفت دارد، به سمت بی‌مبالاتی نسبت به مسائل عفتی و مانند اینها سوق می دهیم، خب معلوم می شود

نتیجه بد خواهد شد، زمانه خراب خواهد شد. البتّه خوشبختانه تا امروز نتوانسته‌اند و نخواهند هم توانست؛ جوان ما خیلی خوب است. اگر به اسم آزادی، لابی‌گری را تزریق کنیم، به اسم عقل و نگاه عقلانی، سازش و تسلیم در مقابل دشمن را القا کنیم، خب زمانه خراب می‌شود دیگر؛ این راه را بایست با استحکام ادامه داد.

امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: فَتَزِغُ قُلُوبٌ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ وَ تَضِلُّ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةٍ؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۱) بعضی از دل‌ها یک روزی مستقیم بودند، در راه راست قرار داشتند، درست حرکت می‌کردند اما بعد برگردانده شدند. زیغ، یعنی واژگونه شدن؛ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا (آل‌عمران، آیه ۸) - که در قرآن هست - یعنی خدایا! دل‌های ما را واژگونه نکن؛ اگر درست می‌فهمیدیم، ما را دچار بدفهمی و کج‌فهمی نکن. امیرالمؤمنین می‌گوید: بعضی‌ها یک روزی درست حرکت می‌کردند، اما دل‌هایشان واژگونه شد. حالا چرا واژگونه می‌شود؟ خدا که به کسی ظلم نمی‌کند؛ خودمان هستیم که آلوده دنیا می‌شویم، آلوده

مَحَبَّت‌های بیجا می‌شویم، آلوده جاه‌طلبی می‌شویم، آلوده رفیق‌بازی می‌شویم، آلوده جناح‌بازی و حزب‌بازی می‌شویم، دلمان واژگونه می‌شود و از آن راه درست، از آن استقامت اوّلی بر می‌گردیم. وَ تَضِلُّ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةٍ؛ یک روزی سالم بودند، بعد گمراه می‌شوند. آفت اینهاست؛ جلوی اینها را بایستی گرفت و از اینها باید به خدا پناه برد. سفارش من به جوان‌ها این است که با چشم باز نگاه کنید، با بصیرت نگاه کنید، هر حرفی را از هر گوینده‌ای نپذیرید. مبدأ حرکت و مبدأ انقلاب، امام بزرگوار است، حرف او را حجت بدانید؛ نگاه کنید ببینید امام چه می‌گفت. نگویند اگر امام هم امروز بود، این‌جوری عمل می‌کرد؛ نه‌خیر، این غلط است؛ ما سال‌های متمادی با امام بودیم و امام را بهتر از آنها می‌شناسیم. امام اگر امروز بود، همان فریاد ابراهیمی، همان فریاد بت‌شکن را امروز هم می‌زد؛ همان فریادی که ملت را بیدار کرد و به انقلاب رساند. خب شما که می‌گویید مرگ بر آمریکا، ما هم که موافقیم، حرفی نداریم.<sup>۴</sup>

## شناسایی نقشه و توطئه دشمن

همه جوان‌های عزیز ما بدانند که دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه دشمن را، توطئه دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه با او، برای مقابله با او، برای خشی کردن کار دشمن، طرح داشته باشیم، انگیزه داشته باشیم، فکر داشته باشیم. وادادگی در مقابل دشمن، دروازه همه آسیب‌هایی است که بر یک کشوری وارد می‌شود. ما می‌خواهیم کشورمان را به برکت اسلام به اوج برسانیم؛ ما می‌خواهیم ملت ایران را - آن‌چنان که شایسته این ملت است - به نقطه‌ای برسانیم که الگو باشد؛ نه فقط برای دنیای اسلام و ملت‌های مسلمان، بلکه برای بشریت؛ خب این کار بزرگی است، این راه دشوار و طولانی‌ای است. دشمن اسلام نمی‌خواهد که نام اسلام یک‌چنین عظمت و شکوهی پیدا کند؛ دشمن شیعه هم نمی‌خواهد؛ بنابراین می‌نشینند توطئه می‌کنند، می‌نشینند فعالیت می‌کنند، می‌نشینند نقشه می‌کشند. نباید از نقشه آنها غافل شد.<sup>۵</sup>

## افزایش حضور در آب‌های آزاد

لازمه برطرف کردن کمبودها، «همت بلند» و «تسلیم نشدن در مقابل محدودیت‌ها» است. ... کشور ما از مرزهای وسیع دریایی و همچنین سابقه طولانی در دریانوری برخوردار است، بنابراین قدرت و توانایی نیروی دریایی جمهوری اسلامی باید در شأن و تراز نظام اسلامی و تاریخ این کشور عمق حضور در آب‌های آزاد باید افزایش یابد.<sup>۸</sup>

## روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

### اصفهان شهر شهیدان

#### بزرگ و نام آور

شهر ظرافت، شهر هنر، شهر شهیدان بزرگ و نام‌آور؛ شهیدی مثل آیت‌الله بهشتی در یک سمت، و در سمت دیگر شهدائی مثل شهید خرازی و شهید همّت و شهید کاظمی و شهید ردّانی‌پور و بزرگان و نام‌آورانی که هرکدام از اینها می‌توانند مشعلی باشند و راه یک ملّت را روشن کنند و باز کنند. اینها مناقب است، این شناسنامه شماسست؛ شناسنامه مردم اصفهان این است. ایستادگی در راه درست، یعنی شهر انقلاب. قبل از پیروزی انقلاب در دوران طاغوت، در ده پانزده شهر اعلام حکومت نظامی شد؛ در اصفهان چند ماه قبل از همه شهرها و پیش از همه‌جا اعلام حکومت نظامی شد؛ این اصفهان است. شناسنامه اصفهان این است: شهر انقلاب، شهر دین، شهر ولایت، شهر خدمت،

شهر کار، شهر علم، شهر تربیت نیروی انسانی.  
من حالا در آن اتاق به دوستان عرض می‌کردم  
که در بخش‌های مختلف، حضور نیروهای  
انسانی تربیت‌شده اصفهانی حضور برجسته و  
روشن و آشکاری است؛ اینها را باید حفظ کنید،  
اینها را باید نگه دارید.<sup>۵</sup>



## از یاد شهیدان غفلت نکنید

عزیزان من! از توسّل و از دعا غفلت نکنید. عزیزان من! از یاد شهیدان غفلت نکنید. شهیدان عزیز ما کسانی بودند که در عین جوانی و بعضی در عین نوجوانی حاضر شدند برای خیر کشور، مصالح کشور، حفظ استقلال کشور، دفع دشمنان کشور، جان خودشان را فدا کنند؛ این خیلی ارزش والایی است. باارزش‌ترین دارایی انسان، عمر انسان و جان انسان است؛ خیلی همّت لازم است، خیلی شجاعت لازم است که این را در راه خدا بدهد. من توصیه می‌کنم این کتاب‌هایی را که دربارهٔ شهدا نوشته شده، دربارهٔ ایثارگران دوران دفاع مقدّس نوشته شده و شخصیت‌های اینها را تشریح می‌کند، بخوانید؛ هم کتاب‌های شیرین و کتاب‌های پرجاذبه‌ای است، هم ذهن شما را با مسائل بسیاری آشنا می‌کند.<sup>۱۱</sup>

## فداکاری شهیدان

### در حفاظت از انقلاب اسلامی

اگر این فداکاری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها نبود، نهال نوپای نظام اسلامی در مقابل طوفان‌های سخت دوام نمی‌آورد و از بین می‌رفت، بنابراین باید روحیه ایثارگری و فداکاری را حفظ و تقویت کرد. ... در دورانی که همه سیاست‌های استکباری در جهت منزوی کردن دین بود، اسلام عزیز و قرآن کریم بر این کشور حاکم و سپس وارد مناطق گوناگون دنیا شد که این حادثه عجیب و مهم موجب احساس خطر دشمن و توطئه و فعالیت علیه نظام اسلامی از همان روز اول انقلاب اسلامی. ... همه آحاد مسئولان و مردم باید احساس مسئولیت کنند و وظیفه اصلی خود را دفاع از نظام اسلامی قرار دهند.<sup>۱۴</sup>

# تدابیر ویژه بسیج

- ویژگی‌ها و تعمیق تفکر بسیجی
- تعامل بسیج با سپاه و وزارتخانه‌ها

## ویژگی‌ها و تعمیق تفکر بسیجی

اقدام امام در تشکیل بسیج

ملهم از پروردگار

بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود؛ امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهم (الهام شدن) شد به اینکه این اقدام را بکند؛ بسیج

بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود. اصلاً معنای این کار چه بود؟ معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار این تعلیم را داد، این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را بسپرد دست جوان‌ها؛ نه فقط جوان‌های آن روز. وقتی جوان‌ها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آنها سپرده شده است، این اعتمادی را که به آنها شده است، دست‌به‌دست در طول زمان به یکدیگر منتقل می‌کنند؛ و همین اتفاق افتاده است. شاید نود درصد شماها که اینجا هستید، نه دوران امام را دیده‌اید، نه امام را مشاهده کرده‌اید، اکثرتان جنگ را ندیده‌اید اما روحیه، همان روحیه است. نه اینکه من از اظهاراتی که این جوان‌های عزیزمان اینجا کردند این را الهام بگیرم؛ نه، من اطلاع دارم، من مرتبطم با جوان‌ها. روحیه امروز جوان‌های ما همان روحیه جوان‌های آن وقت است؛ با این تفاوت که آنها آن وقت در وسط کوره انقلاب بودند، امروز شرایط نیست، درعین حال آن روحیه

هست. تفاوت دیگر اینکه بصیرت و آگاهی و تجربه‌ای که جوان‌های ما امروز دارند، آن روز وجود نداشت؛ یعنی ما پیش رفته‌ایم. امام سرنوشت انقلاب را سپرد به شما جوان‌ها؛ و هر مجموعه جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا می‌گذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل می‌دهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌نشدنی است. آن البته معنای اینکه ما می‌گوییم حفظ انقلاب و پاسداشت انقلاب را امام به جوان‌ها داد، این نیست که غیر جوان‌ها مأموریت ندارند؛ چرا، این مأموریت همه است؛ از پیرمرد هشتادساله و بالاتر از هشتادساله تا نوجوان، از مرد تا زن، از نخبه تا غیر نخبه و مجموع آحاد ملت و کشور مأموریت دارند انقلابشان را حفظ کنند؛ این وظیفه همه ما است؛ اما جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است. اگر نسل جوان نمی‌بود و نمی‌خواست و اقدام نمی‌کرد، حرکت متوقف می‌شد؛ اندیشه پیران و فکر و تجربه آنها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانه جوانان وجود

داشته باشد؛ پیش‌ران این حرکت، جوان‌ها هستند.  
بنابراین امروز، شما جوان‌هایی که امام را ندیده‌اید  
مخاطب امامید، امام با شما حرف زده است، امام  
با شما صحبت کرده است.<sup>۷</sup>

## تقوا عامل پیروزی بسیجی

قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این پیروزی دارد این است که همه ما - جوان‌ها و غیر جوان‌ها - تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم. تقوای شخصی و تقوای اجتماعی و گروهی، هر کدام معنایی دارد؛ حالا من درباره تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عرایضی کرده‌ام و دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. تقوا لازم است؛ خودتان را مراقبت کنید؛ هم مراقبت شخصی کنید، هم مراقبت گروهی کنید. اگر اینطور شد، خدا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل، آیه ۱۲۸) کسانی که تقوا پیشه کنند و نیکو عمل بکنند، «مَعَ الَّذِينَ» خدا با اینهاست. اینکه خدا با یک جمعی باشد، خیلی مسئله مهمی است. ببینید! من یک مثال برای شما از قرآن و از تاریخ قرآنی بزنم: خدای متعال موسی و هارون را مأمور کرد که بروند به سراغ فرعون، خب خیلی کار عظیمی بود که دو نفر آدم تنها، بروند به مقابله و معارضه با



یک قدرت عظیم آن روز؛ قدرت فرعونى یک قدرت بسیار عظیمى بود - از لحاظ سیاسى، از لحاظ اجتماعى، حتّى از لحاظ نفوذ در مردم، از لحاظ تأسیسات ادارى، که تفاصیلى دارد قدرت فرعونى - یک چیز عجیبى بود فرعون؛ یک قدرت مستبدِ فعّال مایشاء؛ با آن همه امکانات؛ خدای متعال دو نفر را مأمور مى کند که بروید شما با این آدم معارضه کنید و مبارزه کنید. حضرت موسى عرض کرد پروردگارا! ممکن است برویم، ما را مثلاً بکشند، به قتل برسانند، کارمان نصفه کاره بماند - از کشتن نمى ترسیدند، گفتند کار نصفه کاره مى ماند « قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّى مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى، » (سوره طه، آیه ۴۶) خدا گفت من با شما هستم. ببینید معیت الهی این است: «إِنِّى مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى.» اینکه خدا مى گوید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» - که من عرض مى کنم اگر من و شما تقوا داشته باشیم خدا با ما است - این معیت الهی و با ما بودن خدا، معنایش این است که مى توان دو نفر آدم تنهای دست خالى را فرستاد به جنگ یک فرعون. همین حضرت

موسی یک جای دیگر - مکرّر البتّه در قرآن هست، حالا یک جای دیگرش را من عرض می‌کنم - وقتی که کارشان به معارضه و رودررویی علنی افتاد و بنی‌اسرائیل را جمع کرد که سحر، یعنی صبحگاه خیلی زود یا نیمه شب، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک مقداری روز بالا آمد، جاسوس‌های فرعون خبر دادند که بنی‌اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا می‌روند یک جای دیگر و یک هسته‌ای درست می‌کنند؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت سر اینها راه افتادند؛ حالا چقدر فاصله شده من نمی‌دانم، شاید یک‌روز یا دو روز یا کمتر یا بیشتر فاصله شده که این لشکر راه افتاده است. خب، آنها پیاده داشتند بدون تجهیزات می‌رفتند - یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه - اما اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه‌چیز؛ طبعاً زود به آنها می‌رسیدند؛ به آنها هم رسیدند.

اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دستپاچه شدند. در قرآن - سوره شعرا - می‌فرماید که «فَلَمَّا تَرَأَ الْجَمْعَانِ»، وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این قدر به هم نزدیک شدند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند، «قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ؛» (سوره شعرا، آیه ۶۱) بنی اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند: که یا موسی! الان به ما می‌رسند؛ «مُدْرَكُونَ» یعنی الان آنها می‌رسند، ما را می‌گیرند و قتل عام می‌کنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت «قَالَ كَلَّا»، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي؛ معیت» این است. گفت خدا با من است، پروردگار من با من است؛ «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». (سوره شعرا، آیه ۶۲) ببینید! معیت الهی این قدر اهمّیت دارد. اینکه می‌گویند: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (سوره نحل، آیه ۱۲۸)؛ «در حقیقت خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی

[است] که آنها نیکوکارانند.» معیت را باید قدر دانست. اگر  
من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم،  
بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا  
هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که  
خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.<sup>۷</sup>

## نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری بسیجیان

### سرفصل‌های بسیج

بنده چند سرفصل را در مورد بسیج عرض می‌کنم. ... یکی این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متکی است به دانستن و فهمیدن، متکی است به بصیرت. واقعیت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا می‌کند. یک عده‌ای اوّل انقلاب جزو کسانی بودند که پرشور با انقلاب همراه بودند اما از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود. بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم، در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم؛ عمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدم‌هایی که زاویه با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند - خاصیت زاویه هم این است که اوّل خیلی محدود شروع می‌شود، اما هرچه انسان خط را پیش برود، این فاصله بیشتر می‌شود، دهنه وسیع‌تر

می‌شود - شدند مقابل انقلاب. بسیج همراه با بصیرت است. اینکه بنده سال ۸۸ روی بصیرت تکیه کردم، عده‌ای ناراحت شدند، عصبانی شدند، طنز گفتند، بد گفتند، مقاله نوشتند علیه اینکه چرا می‌گویید بصیرت، به‌خاطر این است؛ بصیرت مهم است؛ دانستن و فهمیدن مهم است.

دوم؛ بسیج جناحی نیست؛ یکی از دو جناح سیاسی، یا سه جناح سیاسی، یا چهار جناح سیاسی داخل کشور نیست. بسیج لشکر انقلاب است، بسیج مال انقلاب است. اگر دوگانگی‌ای وجود داشته باشد، دوگانگی انقلابی و ضد انقلابی است - حتی فرد غیر انقلابی هم قابل کشش است، قابل جذب است؛ بنده معتقد به جذب حداکثری‌ام، البته با روش‌های خودش، نه اینکه حالا هر کاری بکنیم به‌عنوان جذب حداکثری - انقلاب و ضد انقلاب. هر جناحی، هر کسی، هر آدمی که انقلاب را قبول دارد، در خدمت انقلاب است، دنبال انقلاب است، بسیج طرفدار او هم هست. یعنی این‌جور نیست که ما در جناح‌های داخل کشور،

بسیج را جزو این جناح یا آن جناح یا آن جناح سوم یا آن جناح چهارم بدانیم؛ نخیر، خود بسیج یک جریان است، یک شطّ عظیم جاری است به سمت اهداف انقلاب.

نکته دیگر؛ در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و غیره، همه باید باشند. این گستره بسیج به‌صورت افقی است. البته شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی بکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه می‌کنم - همین‌جا هم می‌گویم، مسئولین هم تشریف دارند - و باید انجام بگیرد، ایجاد یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و هم‌افزایی این سطح وسیع افقی. بنابراین بسیج خطّ افقی دارد - این یک - از طرفی بسیج احتیاج دارد به مجموعه‌های اندیشه‌ورز، به هدایت عمومی. این هدایت - که بعد درباره این بیشتر صحبت عرض

خواهم کرد - یک خط عمودی است که حالا نقش این خط عمودی چیست، بعد عرض می‌کنم. هم خط افقی در بسیج هست، هم خط عمودی در بسیج هست. نه مثل سازمان‌های متعارف نظامی یا تشکیلات اداری است که صرفاً خط عمودی باشد، نه مثل مجموعه‌های خدماتی مردمی است که صرفاً خط افقی باشد. هم خط عمودی دارد، هم خط افقی دارد؛ هر کدام بنحوی برای تشکیل بسیج یک امر لازمی است. نکته بعدی این است که بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است. ما که می‌گوییم مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، بعضی خیال می‌کنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن تنها یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردم‌اند؛ مردم‌سالاری یعنی این؛ این معنای مردم‌سالاری اسلامی است. بسیج در همه عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است. اگر چنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود،



اقتصاد می‌شود مردم‌سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، می‌شود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین‌جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین‌جور است، در سیاست همین‌جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.

یک نکته دیگر این است که گفتیم هیئت‌های اندیشه‌ورز؛ من اصرار دارم این کلمه «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها می‌گویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل می‌کنند به ترجمه تحت‌اللفظی فارسی، همانها را مدام با افتخار به کار می‌برند؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئت‌های اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این

بچه‌ها اینجا می‌گویند ما شوق داریم و ما را  
 بفرستید و چرا نمی‌فرستید، همان جنگ سخت  
 است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت  
 اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که  
 چه کسی برود، کی برود، چه جوری برود؛ تا جنگ  
 نرم که جنگ نرم یک عرصه بسیار وسیعی است و  
 روزبه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد  
 گسترده‌تر می‌شود و خیلی هم خطرناک‌تر از  
 جنگ سخت است - یعنی در جنگ سخت،  
 جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند، ولی  
 روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ اما در  
 جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند،  
 جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، ولی  
 روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقش این است؛ لذا  
 این خیلی خطرناک‌تر است - هیئت اندیشه‌ورز  
 لازم دارد؛ تا سازندگی که بسیج یک‌جایی  
 مشغول سازندگی است؛ تا تقسیم مأموریت‌های  
 جغرافیایی - همین‌که آمایش سرزمینی می‌گویند؛  
 در یک نقطه‌ای از کشور بسیج می‌تواند یک کاری

را انجام بدهد که در نقطه دیگر یا نمی‌تواند انجام بدهد آن کار را، یا لازم نیست انجام بدهد - این باید با هوشیاری صورت بگیرد که هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد. تمام این لایه‌های مختلف و لایه‌های گوناگون دیگر، هر کدام هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم دارد.

علاوه بر این، هیئت اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح بسیج که برای کل مجموعه بسیج بنشینند خط نگاری کنند، راهبردنگاری کنند - اینجا هم من مایل نیستم تعبیر استراتژیست را به کار ببرم؛ راهبردنگار، راهبردانیش - لازم داریم. ما راهبردانیشانی را لازم داریم که بنشینند و کارشان فقط این باشد؛ این از مهم‌ترین کارها است. مثل راهبردانیشان نظامی که در همه‌جای دنیا هم معمول است، به قول خودشان استراتژیست‌های نظامی که می‌نشینند و تکلیف جنگ را، کار نظامی را مشخص می‌کنند. این لازم است، اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد. وقتی ما اینها را انجام دادیم،

آن وقت شما در هر نقطه‌ای از مجموعه عظیم بسیج که مشغول کار هستید - در حلقه صالحین باشد، در راهیان نور باشد، در دبیرستان باشد، در دانشگاه باشد، در محیط کارگری باشد، در مسجد باشد - هر جا که شما در زمینه بسیج مشغول کار هستید و می‌دانید که یک عضو فعال هستید از یک مجموعه خردمند و هدفدار که دارد حرکت می‌کند و پیش می‌رود، این احساس در شما به وجود می‌آید. نمی‌گوییم مثل یک عضو از بدن؛ نه، چون اعضای بدن درست است که حرکت می‌کنند، اما همه اسیر مغزند؛ مغز می‌گوید بین، مغز می‌گوید بشنو، مغز می‌گوید بگو یا حرکت کن؛ مغز فعال است. در بسیج این جوری نیست که فقط از مرکز بگویند بگو؛ نه، مثل این است که هر عضوی خودش یک مغزی داشته باشد که با آن مغز اصلی که در سر است هماهنگ باشد - که این هماهنگی البته راه‌هایی دارد - یک چنین حالتی به وجود خواهد آمد.<sup>۷</sup>

## ایجاد الگوی بسیج در سایر کشورها

بسیج الگوسازی بود؛ بسیج ایجاد الگو بود. این الگو بدون اینکه هیچ تبلیغاتی برایش بشود، هیچ کاغذی نوشته بشود، کتابی نوشته بشود، پیغامی به کسی داده بشود، به طور طبیعی در یک بخش مهمی از دنیای اسلام جا باز کرد؛ یعنی خودش را نشان داد. از روی آن نسخه نویسی کردند؛ بعضی ها نسخه نویسی کردند برای هدف های خوب، بعضی ها نسخه نویسی کردند برای هدف های بد. اینکه جوان ها را بیاورند، با انگیزه دین وارد میدان کنند، مسئولیت را به آنها بسپارند، به آنها اعتماد بکنند؛ این شد یک الگو. حالا که الگو شد، دوستان ما در خیلی از کشورها از این الگو بهره گرفتند - که حالا آقایان اسم آوردند، بنده نمی خواهم از کشوری اسم بیاورم - دشمنان هم نشستند برایش برنامه ریزی کردند. یکی از برنامه ریزی های دشمن عبارت است از نفوذ بنده الان شاید حدود یک سال یا بیشتر است که

راجع به نفوذ دارم صحبت می‌کنم. از نفوذ باید ترسید، باید مراقب بود. معنای ترس هم این نیست که آدم خوف کند، یعنی ملاحظه کنید، مراقب باشید؛ نفوذ خیلی مهم است.<sup>۷</sup>

### هدف دشمن ایجاد

#### خطوط موازی در بسیج

یکی دیگر از راه‌هایی که دشمن‌ها دنبال می‌کنند، ایجاد خطوط موازی است؛ رقیب درست کردن برای بسیج؛ از این کارها هم می‌کنند. بنده نمی‌خواهم حالا وارد جزئیات بشوم اما من می‌شناسم، اطلاع دارم، شاید بعضی از شما هم اطلاع داشته باشید که همین الان دارند برای بسیج، برای جوان‌های کشور، برای همان‌هایی که من گفتم «افسران جنگ نرم»، رقیب‌سازی می‌کنند. یک خط موازی درست می‌کنند، برای اینکه از اینجا غافلش کنند و آنجا بکشانندش. اینها مسائل مهمی است.<sup>۷</sup>

## تعامل بسیج با سپاه و وزارخانه‌ها

### توانایی بسیج

#### در همه عرصه های جامعه

بسیج این توانایی را خواهد داشت که در اصلی ترین عرصه های جامعه به صورت پُر قدرت ظاهر بشود و اثر بگذارد؛ هم در عرصه علم، هم در عرصه فرهنگ، هم در عرصه اقتصاد، هم در عرصه خدمت رسانی؛ در همه این عرصه ها بسیج می تواند به عنوان یک نیروی پُر قدرت و اثرگذار ظاهر شود. وقتی می گویند بسیج بی ترمز است، یعنی همین. (خنده حضار) به عبارت دیگر، بسیج می تواند دستگاه های مسئول را، هم در جهت دهی، هم در هدف گذاری، هم در عمل یاری بدهد. یعنی ما وقتی راجع به بسیج صحبت می کنیم و این مطالب را می گوئیم و توانایی های بسیج را می گوئیم، نمی خواهیم برای قوه مجریه یک رقیب بترائیم؛ نه خیر، قوه مجریه وظایفی دارد، مسئولیت هایی دارد که باید آنها را انجام بدهد، وظیفه اش است، اما بسیج

می‌تواند کمک کند به قوّه مجریه برای جهت‌دهی صحیح، برای جلوگیری از خطا و انحراف در مسیر. و در عمل هم می‌تواند کمک کند؛ مثل همین اقتصاد مقاومتی که بعضی از آقایان اشاره کردند. می‌تواند به‌عنوان مکمل عمل کند، می‌تواند به‌عنوان امیدبخش عمل کند. بعضی از دستگاه‌های دولتی در بعضی از زمینه‌ها دچار ناامیدی می‌شوند و می‌گویند: نمی‌شود! چطور نمی‌شود؟! این همه کارهای بزرگ انجام گرفت، نمی‌شود یعنی چه؟ می‌گویند: نمی‌شود! بسیج وقتی که جلو افتاد، وقتی این نیروی جوان و پیش‌ران، حرکت صحیح خودش را دنبال کرد، آن آدم ناامید و افسرده هم بانشاط می‌شود و امیدوار می‌شود. البته من هرگز نمی‌خواهم مبالغه کنم، بنده نمی‌خواهم بگویم بسیجی یک فرشته است و از ضعف‌های بشری دور است، نه‌خیر؛ همه ماها دچار ضعف‌های بشری هستیم؛ ترس داریم، تردید داریم، ملاحظات گوناگون داریم،



گرفتاری‌های خانوادگی داریم، گرفتاری‌های اجتماعی داریم، اما بن بست نداریم، من این را می‌خواهم بگویم. جوان بسیجی ممکن است یک وقتی، در یک برهه‌ای دچار ترس بشود، یا در یک مسئله خاصی دچار تردید بشود، اما دچار بن بست نمی‌شود؛ برای خاطر اینکه عناصر هدایت‌گر و قدرت‌آفرین و راهنما در بسیج آن قدر هست که بتواند همه این نقاط ضعف را برطرف کند یا تبدیل کند به نقاط قوت. خب امروز ما مشاهده می‌کنیم در کشور از لحاظ مسائل اقتصادی مشکلاتی وجود دارد؛ البته ما امسال گفتیم سال اقدام و عمل، دیروز هم مسئولین محترم یک گزارش مفصلی برای من فرستادند، فهرستی از اقدام‌ها و عمل‌هایی که انجام گرفته از اوّل سال تا حالا را ذکر کردند؛ یعنی ما خواستیم، گفتیم خب بالاخره برای اقدام و عمل چه اتّفاقی افتاده، یک گزارش مفصلی دست من رسید و نگاه کردم. آمارهایی هست، کارهایی هست، اقداماتی انجام

گرفته، منت‌ها باید در صحنهٔ عمل نتیجه‌اش دیده بشود؛ آنچه مهم است این است که آماری که ما می‌دهیم، نتیجه‌اش در عمل دیده بشود. من اوّل سال هم گفتم که بایستی جوری عمل بکنیم که وقتی آخر سال شد، بتوانیم فهرست بدهیم، بگوییم این کارها را انجام دادیم، این هم نشانه‌هایش در عمل و در واقعیت جامعه؛ این جور نباشد که صرفاً گزارش باشد. بسیج می‌تواند در تحقق این مقصود نقش ایفا کند.<sup>۷</sup>

# تدابیر اقتصادی و مالی

● جهت گیری سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی

● حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

## جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

نشان دادن اقدام و عمل

در اقتصاد مقاومتی

امروز یکی از چیزهایی که از لحاظ عملی  
مهم است، مسئله اقتصاد است؛ دشمن روی  
اقتصاد کشور ما متمرکز شده. از نظر دشمن،  
اقتصاد کشور یک نقطه ضعیفی است که او

می‌تواند با تکیه بر آن نقطه ضعف، مقاصد سوء خودش را در مورد کشور عزیز ما و در مورد جمهوری اسلامی اعمال بکند؛ باید روی اقتصاد کار کرد. من گفتم: اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است. «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، این اقدام و عمل باید در جلوی چشم مردم قرار بگیرد و مردم این را ببینند؛ این توقع و خواسته ما از مسئولین است که با آنها هم در میان می‌گذاریم؛ این مسائل را ما با مسئولین مرتباً در میان می‌گذاریم و به آنها می‌گوییم. شاخصه‌های اقدام و عمل را باید نشان داد.<sup>۵</sup>

## حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

### روشن نشدن

#### موضوع حقوق‌های نجومی

ناتمام ماندن کارها، سؤال و اشکال ایجاد می‌کند و متأسفانه اکنون این وضعیت در بعضی بخش‌های مختلف کشور دیده می‌شود که از جمله این مسائل، موضوع حقوق‌های نجومی است و این موضوع از مسائل مهمی است که نتیجه رسیدگی به آن برای مردم روشن نشد و سؤالات در ذهن مردم باقی ماند لزوم «رعایت استحکام و پرهیز از عجله و بی‌ملاحظگی در کارها» نکته مهم دیگری بود که رهبر انقلاب بر آن تأکید و خاطرنشان کردند: هر کاری را از ابتدا باید با استحکام آغاز کرد، زیرا عجله در کارها، مشکل ایجاد می‌کند که متأسفانه در این زمینه نیز نمونه‌هایی وجود دارد.<sup>۸</sup>



# تدابیر

## برون مرزی

• جهت گیری در جهان اسلام - بیداری اسلامی

• جهت گیری در مصاف با استکبار

• جهت گیری در سیاست خارجی

## جهت‌گیری در جهان اسلام - بیداری اسلامی

### توصیه رهبر انقلاب

#### به ائتلاف شیعیان عراق

«به آمریکایی‌ها اصلاً اعتماد نکنید» آمریکایی‌ها همواره با اقتدار کشورهای اسلامی از جمله عراق مخالف‌اند و هیچ‌گاه نباید فریب ظاهرسازی‌ها و لبخندهای آنها را خورد. ... ما در جمهوری اسلامی ایران، هرگاه این توصیه را رعایت کردیم سود بردیم و هرگاه به فراموشی سپردیم، ضرر کردیم. ... اکنون در موصل و همچنین در سوریه، آمریکایی‌ها، تمایلی به شکست کامل تروریست‌های تکفیری ندارند.<sup>۱۰</sup>



## کمرنگ کردن مسئله فلسطین

### هدف استکبار

هدف همه آنها این است که مسئله فلسطین در افکار عمومی منطقه کمرنگ شود و از یاد ملت‌ها برود جمهوری اسلامی با وجود درگیر بودن در برخی قضایای منطقه، همواره و به طور صریح اعلام کرده فلسطین مسئله اول دنیای اسلام است و به تکالیف خود در این زمینه عمل می‌کند. ... باید برای «ایجاد فضای فکری و گفتمان عمومی در جهان اسلام، درباره اولویت قضیه فلسطین» تلاش مضاعفی شود به گونه ای که مسئولان سازشکار برخی کشورها از عکس‌العمل ملت‌ها در هراس باشند.<sup>۱۳</sup>

## مسئله مهم منطقه

### مقابله همگانی با داعش

یکی از مهمترین مسائل منطقه، مقابله همگانی با گروه‌های تکفیری نظیر داعش، جبهه النصره و دیگر گروه‌ها است، چرا که در غیر اینصورت، به علت بحران آفرینی مستمر تکفیریها، مسئله فلسطین در حاشیه خواهد ماند. ... مأموریت این گروه‌ها، ایجاد فتنه است و باید با هوشیاری و قاطعیت کامل با آنها مقابله کرد. ... دشمنی با جبهه حق، طبیعت مستکبران است بنابراین نباید از ادامه دشمنی‌ها دچار تعجب شد. ... این روش عقلا است و باید با هوشیاری کامل به مبارزه ادامه داد. ۱۳

## اتّحاد بین مسلمین

به نظر ما مهم‌ترین آمادگی امروز، عبارت است از اتّحاد بین مسلمین. بر حذر باشند مسلمانها از ایجاد اختلاف؛ فرقی نمی‌کند، همه فرق، شیعه و سنی ندارد. همه فرق اسلامی باید سعی کنند در اینکه اختلافات فکری خودشان را در زیر مشترکات فراوانی که وجود دارد، مورد اغماض قرار بدهند و از آن اغماض کنند. وجود مقدّس پیامبر اعظم، نقطه کانونی توجّه محبّت‌ها و علائق آحاد ملت‌های مسلمان است. همه عشق می‌ورزند به پیغمبر؛ این نقطه کانونی است، این نقطه اصلی است. قرآن محلّ توجّه و اعتقاد همه مسلمانان است؛ کعبه شریف همین جور؛ چقدر مشترکات بین مسلمان‌ها زیاد است! این مشترکات را مورد توجّه قرار بدهند.<sup>۱۵</sup>

## جهت‌گیری در مصاف با استکبار

### دیدگاه آمریکایی‌ها

#### در قبال داعش

بر اساس دیدگاه اول، آمریکایی‌ها برنامه‌ای برای ریشه‌کن کردن داعش ندارند و می‌خواهند همچون انگلیسی‌ها که در دوران استعمار هند، کشمیر را همچون استخوان لای زخم نگه داشتند — و در نتیجه دو کشور همسایه هند و پاکستان تا همین امروز نیز همواره دچار اختلاف و شکاف هستند — در قبال داعش نیز به‌گونه‌ای عمل کنند که این مشکل به‌صورت حل‌نشده در عراق یا سوریه باقی بماند بر اساس دیدگاه دوم، آمریکایی‌ها مایل به حل قضیه داعش هستند اما سازوکارها به‌نحوی نیست که آنها قادر به انجام این کار باشند که البته نتیجه هر دو دیدگاه تاکنون یکسان بوده و امروز عراق و به‌ویژه سوریه در وضعیت بسیار تلخ و سختی به‌سر می‌برند.<sup>۶</sup>

## شناسایی عوامل استکبار

### در منطقه

عوامل دشمنان را، عوامل استکبار را در منطقه بشناسند. متأسفانه آن دشمنِ صریح، می‌آید می‌گوید «شماها با هم دشمن اید، این کشور تهدید شما است»، یعنی شما دشمن آنها هستید، آنها هم دشمن شما هستند! او دشمن است که این حرف را می‌زند، خب واضح است؛ آنهایی که می‌شنوند حرف او را - آنها که در ظاهر اسلامی و با نام اسلامی دارند زندگی می‌کنند و حکومت می‌کنند - چرا باید از او قبول کنند؟ چرا باید حرف او را تصدیق کنند؟ چرا باید ممشای بعضی از دولت‌های منطقه، متأسفانه ممشای پیروی از دشمنان صریح اسلام و دشمنان صریح امت اسلامی باشد؟<sup>۱۵</sup>

## وحدت، هم‌افزایی و اتحاد اسلامی

امروز دنیای اسلام دچار محنت‌های بزرگی است و راه‌حل آن محنت‌ها، اتحاد اسلامی است. وحدت، هم‌افزایی، کمک به یکدیگر، از اختلافات مذهبی و فکری عبور کردن. امروز نگاه دستگاه استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی می‌کنند دنیای اسلام را هرچه بیشتر از وحدت خود دور کنند. این برای آنها تهدید است: یکونیم میلیارد مسلمان، این همه کشورهای اسلامی با این همه منابع، این نیروی انسانی فوق‌العاده؛ اگر این مجموعه متحد باشد و با وحدت به سمت اهداف اسلامی حرکت بکند، قدرت‌مندان دیگر نمی‌توانند در دنیا کوس (طبل بزرگ) قدرت بزنند؛ آمریکا دیگر نمی‌تواند اراده خود را بر کشورها و بر دولت‌ها و بر ملت‌ها تحمیل کند؛ شبکه بدخیم خبیث صهیونیستی دیگر نمی‌تواند دولت‌ها و قدرت‌های گوناگون را در پنجه اقتدار خود بگیرد و آنها را در جهت راه خود و کار خود پیش ببرد؛ اگر مسلمان‌ها متحد باشند این‌طور است. اگر

مسلمان‌ها متحد باشند، وضع فلسطین آن‌چنان که امروز مشاهده می‌کنیم نخواهد بود؛ امروز وضع فلسطین، وضع سختی است؛ غزه یک‌جور، ساحل غربی آن یک‌جور. ملت فلسطین، امروز زیر فشار شدید روزانه است؛ می‌خواهند مسئله فلسطین را از اذهان دور کنند و به فراموشی بسپارند. می‌خواهند منطقه غرب آسیا را شامل همین کشورهای ما - که یک منطقه فوق‌العاده حسّاس راهبردی است، یعنی هم از لحاظ جغرافیایی، هم از لحاظ منابع طبیعی، هم از لحاظ گذرگاه‌های آبی یک منطقه حسّاسی است، به خودشان مشغول کنند؛ مسلمان در مقابل مسلمان، عرب در مقابل عرب بایستند و همدیگر را هدف بگیرند و یکدیگر را نابود بکنند تا ارتش‌های کشورهای مسلمان، مخصوصاً ارتش‌هایی که در همسایگی صهیونیست‌ها قرار دارند روز‌به‌روز تضعیف بشوند؛ هدف آنها این است.<sup>۱۵</sup>

## تعارض دو اراده در منطقه

امروز دو اراده در این منطقه با یکدیگر در تعارض‌اند: یک اراده، ارادهٔ وحدت است؛ یک اراده، ارادهٔ تفرقه است. ارادهٔ وحدت، متعلق به مؤمنین است؛ فریاد اتحاد و اجتماع مسلمین از حنجره‌های بااخلاص بلند است و مسلمان‌ها را دعوت می‌کنند به اینکه به مشترکاتشان توجه بکنند؛ اگر این‌طور بشود و اگر این وحدت اتفاق بیفتد، وضعی که امروز مسلمان‌ها دارند دیگر به این شکل نخواهد بود و مسلمان عزت پیدا خواهد کرد. امروز شما ملاحظه کنید از متهاالیه شرق آسیا در میانمار مسلمان‌کشی هست، تا غرب آفریقا در نیجریه و امثال اینها؛ همه‌جا مسلمان‌ها کشته می‌شوند؛ حالا یک‌جا به دست بودایی کشته می‌شوند، یک‌جا به دست بوکو حرام و داعش و امثال اینها کشته می‌شوند. یک عده‌ای هم در این آتش‌ها می‌دمند؛ شیعهٔ انگلیسی و سنی آمریکایی مثل هم هستند؛ همه، دولهٔ یک قیچی هستند؛ سعی‌شان این است که مسلمان‌ها را به جان هم



بیندازند؛ این پیام ارادهٔ تفرقه است که ارادهٔ شیطانی است؛ اما پیام وحدت این است که اینها از این اختلافات عبور نکنند، در کنار هم قرار بگیرند، با هم کار کنند اگر شما امروز نگاه کنید به اظهاراتی که از مستکبرین و متصرفین فضاهاى حیاتی ملّت‌ها سر می‌زند، می‌بینید که دعوت به تفرقه است؛ از قدیم، به سیاست انگلیسی‌ها گفته می‌شد سیاستِ تفرقه بینداز و آقای کن «فَرَّقْ تَسُدْ» آقای کن به برکت تفرقه انداختن؛ آن‌وقتی که انگلیس قدرتی داشت، این سیاست آنها بود؛ امروز هم این سیاست را قدرت‌مندان امروز مادی دنیا دارند؛ چه آمریکا، چه اخیراً باز انگلیس. انگلیس‌ها در منطقهٔ ما همیشه منبع شر بودند، همیشه منبع نکبت برای ملّت‌ها بودند؛ ضربه‌هایی که اینها به حیات ملّت‌ها در این منطقه زدند، شاید در کمتر نقطه‌ای در دنیا از سوی یک قدرتی نظیر داشته باشد.<sup>۱۵</sup>

## سیاست های استکباری

در شبه قاره هند - که امروز هند و بنگلادش و پاکستان است - آن جور ضربه زدند، آن جور مردم را فشار دادند؛ در افغانستان یک جور، در ایران یک جور، در منطقه عراق یک جور؛ بالاخره در فلسطین هم که آن حرکت مشئوم (نامیمون، شوم) و خباثت آلود را انجام دادند و مسلمان ها را و در واقع یک ملت را آواره کردند و از خانه خودش دور کردند؛ یک کشور تاریخی ثبت شده از چند هزار سال پیش - به نام فلسطین - با سیاست انگلیسی ها از بین رفت. در این منطقه از دو قرن پیش به این طرف - دو قرن و اندکی، از حدود ۱۸۰۰ میلادی به این طرف - هرچه از انگلیس ها سر زده است، شرّ و فساد و تهدید بوده؛ آن وقت این مسئول انگلیسی (اشاره به اظهارات ترزا می نخست وزیر انگلیس) در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در بحرین می آید اینجا و می گوید ایران تهدید منطقه است؛ ایران تهدید منطقه است؟ این خیلی بی شرمی می خواهد که کسانی که خودشان در طول زمان، تهدید و

خطر و نکبت برای منطقه بوده‌اند، بیایند کشور  
مظلوم و عزیز ما را متهّم کنند؛ اینها این‌جوری  
هستند از وقتی در این منطقه نشانه‌های بیداری  
اسلامی دیده شد، فعالیت‌های ایجاد تفرقه بیشتر  
شد؛ اینها تفرقه را یک وسیله‌ای می‌دانستند برای  
اینکه بر ملت‌ها مسلط بشوند. از زمانی که احساس  
شد در این منطقه حرف‌های نو، افکار اسلامی نو،  
ایستادگی ملت‌ها، زنده شدن و سرپا شدن ملت‌ها  
دارد وجود پیدا می‌کند، حرکت تفرقه‌آمیز دشمنان  
بیشتر شد؛ وقتی که نظام اسلامی در ایران سرپا آمد،  
که پرچم اسلام را برافراشته کرد، قرآن را سر  
دست گرفت و با افتخار گفت که ما به اسلام عمل  
می‌کنیم و قدرت و سیاست و امکانات و ارتش و  
نیروی مسلح و همه چیز را با خود همراه داشت و  
از آنها استفاده کرد و روزبه‌روز آنها را تقویت کرد،  
این حرکت تفرقه‌آمیز بیشتر شده است. این حرکت  
تفرقه‌آمیز را تشدید کردند برای مقابله با این قیام  
اسلامی و با این عزّت اسلامی. اسلام برای آنها  
مایه خطر بود وقتی بیداری به ملت مسلمان

## پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۵/۰۸/۱ دیدار رئیس جمهوری ونزوئلا با رهبر انقلاب (گزارش خبری)
۲. ۹۵/۰۸/۰۴ دیدار رئیس شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین با رهبر انقلاب (گزارش خبری)
۳. ۹۵/۰۸/۰۵ دیدار رئیس جمهوری فنلاند با رهبر انقلاب (گزارش خبری)
۴. ۹۵/۸/۱۲ بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان
۵. ۹۵/۰۸/۲۶ بیانات در دیدار مردم اصفهان
۶. ۹۵/۰۹/۰۲ دیدار رئیس جمهوری اسلونی با رهبر انقلاب
۷. ۹۵/۰۹/۰۳ بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفتهٔ بسیج
۸. ۹۵/۰۹/۰۷ دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش با رهبر انقلاب (گزارش خبری)
۹. ۹۵/۰۹/۱۸ پیام به بیست و پنجمین اجلاس سراسری نماز
۱۰. ۹۵/۰۹/۲۱ دیدار رئیس و اعضای اصلی تحالف ملی شیعیان عراق با رهبر انقلاب (گزارش خبری)
۱۱. ۹۵/۰۹/۲۳ بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان
۱۲. ۹۵/۰۹/۲۴ بیانات در دیدار رئیس جمهوری اندونزی (گزارش خبری)
۱۳. ۹۵/۰۹/۲۴ بیانات در دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین (گزارش خبری)
۱۴. ۹۵/۰۹/۲۵ بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهار هزار شهید استان گلستان
۱۵. ۹۵/۰۹/۲۷ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی